

## قدرت افکنی چین

دکتر حیدر علی بلوچی<sup>۱</sup>

تاریخ تصویب: ۱۹/۹/۲۴

تاریخ ارائه: ۱۹/۸/۱۵

### چکیده

امروزه در کنار عناصر ملموس و غیرملموس قدرت، توان قدرت افکنی کشورها به عنوان یکی از شاخص های قدرت ملی کشورها قلمداد می گردد که به واسطه آن، یک کشور با استفاده از آثار عناصر قدرت، اراده خود را محقق می سازد. بسته به میزان این توان، حوزه و دامنه قدرت افکنی کشورها با همدیگر متفاوت است. هر چند، توجه بسیاری از محققان بین المللی به عناصر قدرت و توان قدرت افکنی آمریکا و روسیه به عنوان بزرگ ترین قدرت های نظامی جهان می باشد، با وجود این، چشم انداز رشد اقتصادی مداوم و فزاینده چین، احتمال افزایش توان قدرت افکنی این کشور را نیز مطرح می کند. بنابراین، در این مقاله با نگاهی به مفهوم قدرت افکنی، عناصر آن را در رابطه با چین بررسی کرده و سپس با نگاهی مقایسه ای، توان قدرت افکنی چین را در سطح منطقه ای و بین المللی مطالعه می کنیم.

**واژگان کلیدی:** قدرت افکنی، چین، راهبرد، تایوان، آمریکا، نوسازی ارتش، رهنامه.

۱. محقق مسائل امنیت بین المللی؛ نویسنده تأکید می کند که همه نظرات و تجزیه و تحلیل ارائه شده در این مقاله، بر اساس نظر شخصی بوده و به نمایندگی از هیچ سازمان و نهادی نیست.

## مقدمه

در چند سال اخیر، نوسازی ارتش خلق چین توجه نظام بین‌المللی را به‌طور فزاینده‌ای به خود جلب کرده است. در همین راستا، بسیاری از مراکز و محافل سیاسی و نظامی - از سازمان‌های سیاسی، نظامی، اطلاعاتی و امنیتی گرفته تا مراکز مطالعات راهبردی - به بررسی توان نظامی چین روی آورده‌اند. برای مثال هر گونه تحرک چین در تنگه تایوان، برمه و دریای چین و دیگر نقاط دنیا و یا آزمایش‌های هسته‌ای چین و پرتاب ماهواره‌های مختلف توسط این کشور، موضوعی برای تجزیه و تحلیل‌های مستمر مراجع یادشده می‌باشند. در عین حال، شفاف نبودن برنامه و بودجه، صادرات و واردات اقلام نظامی و نیز مقاصد نظامی این کشور، حساسیت و حتی نگرانی بیشتر این مراجع را سبب شده است.

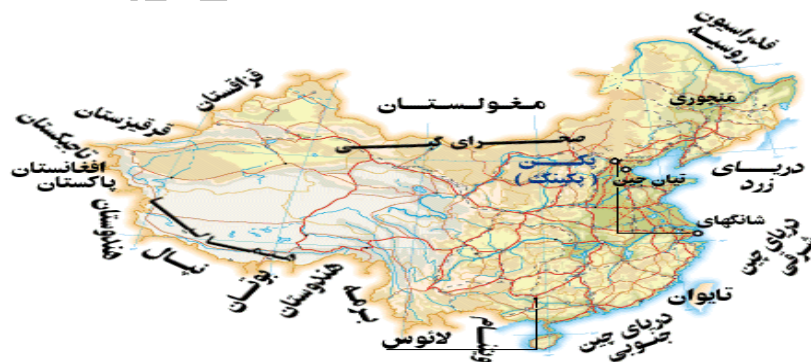
از دیدگاه ناظران سیاسی مختلف، یکی از مسائل مهمی که در آینده‌ای نه چندان دور شاهد آن خواهیم بود، ظهور چین به عنوان بزرگ‌ترین اقتصاد جهان می‌باشد. البته تحقق این انتظار و پیش‌بینی، منوط به عوامل مختلف و از جمله کشانده نشدن چین به یک درگیری نظامی ناخواسته است که در صورت وقوع این امر، چین از رسیدن به نقطه رشد مورد نظر در مدت معین بازخواهد ماند. اما در هر حال، چین همزمان با رشد اقتصادی خود، ناگزیر خواهد بود تا حوزه و دامنه جغرافیایی منافع ملی خود را نیز گسترش دهد. در این راستا، کسب توان قدرت‌افکنی برای چین اولویت مهمی است که به اجرایی شدن برنامه‌های سیاست خارجی و دفاعی این کشور کمک شایانی خواهد کرد. اما آیا قدرت اقتصادی و نظامی چین به‌طور موزون و هماهنگ با همدیگر رشد خواهند کرد؟ بنابراین، در حالی که توجه ادبیات رایج به نقش و جایگاه قدرت‌افکنی درباره قدرت‌های بزرگ و به‌ویژه آمریکا می‌باشد، مقاله حاضر قصد دارد با نگاهی به مفهوم قدرت‌افکنی، عناصر آن را در رابطه با کشور چین شناسایی کرده و در نهایت با دیدگاهی مقایسه‌ای برآیند و بازتاب قدرت‌افکنی چین را در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی مورد بررسی قرار دهد.

## ۱. مفهوم قدرت افکنی

قدرت افکنی عبارتی در علوم سیاسی و نظامی است که بر توان یک کشور در لشکرکشی به نقاط دور دست دنیا و ترساندن دیگران از راه تهدید به جنگ برای رسیدن به مقاصد خاص - اعم از سیاسی و نظامی - اطلاق می‌گردد. در حال حاضر، این امر به عنوان یک عنصر مهم قدرت ملی کشورها به شمار می‌رود. در نتیجه، گفته می‌شود که هر کشوری که در فراتر از مرزهای خود تا حدودی از این قدرت برخوردار باشد، دارای توان قدرت افکنی است، اما باید تأکید شود که در بیشتر موارد، منظور از این عبارت، توان یک کشور در قدرت افکنی در سطح جهانی است. به عبارتی دیگر، می‌توان تصور کرد که یک کشور از عناصر مهم قدرت همچون یک ارتش دائمی بزرگ بهره‌مند باشد، ولی سیاست و اراده و حتی توان قدرت افکنی در سرزمینی فراتر از مرزهای خود و در سراسر جهان را نداشته باشد، در این وضعیت، چنین کشوری را نمی‌توان دارای توان قدرت افکنی دانست. بر این اساس، با یک بررسی کلی از توان نظامی کشورهای مختلف دنیا به این نتیجه می‌رسیم که تنها کشورهای اندکی دارای توان قدرت افکنی هستند و می‌توانند با تکیه بر نیروهای نظامی نوین و مکانیزه و مجهز به آخرین فناوری‌های موجود، بر مشکلات و چالش‌های پشتیبانی نیروهای خود در سرزمین‌های دور دست فائق آیند (Lee, 1999).

به‌طور سنتی، شاخص اصلی اندازه‌گیری قدرت افکنی، سخت‌افزارهای نظامی (از قبیل انواع اسلحه و مهمات) بوده است، اما با پیدایش نظریه قدرت نرم‌افزاری، کارشناسان به این نظریه رسیده‌اند که موفقیت در قدرت افکنی فقط در گرو بهره‌برداری از قدرت سخت‌افزاری نیست، بلکه حتی عناصر قدرت دومنظوره نیز می‌توانند در اثبات توان قدرت افکنی، مؤثر واقع شوند. برای مثال، توان یک کشور برای ارسال کمک‌های بشردوستانه به نقاط مختلف دنیا که در بعضی مواقع، نیروهای نظامی خود را نیز در این امر دخیل می‌کنند، نشانگر توان واقعی قدرت افکنی یک کشور نیز می‌باشد. همچنین می‌توان گفت که توان قدرت افکنی یک کشور، برخی اوقات می‌تواند به یک اهرم دیپلماتیک مؤثر

نیز مبدل شود و یا برای تأمین بازدارندگی در برابر رقبا به کار رود. گفتنی است که افزون بر عناصر سخت‌افزاری، قدرت‌افکنی دارای عناصر دیگر و از جمله فرماندهی و کنترل مناسب می‌باشد. به طور کلی، هرچه فاصله جغرافیایی نیروهای یک کشور با ستاد اصلی افزایش پیدا می‌کند، نقش فرماندهی و کنترل در موفقیت هر گونه عملیاتی برجسته‌تر می‌شود. البته هر ارتشی که به آخرین فناوری ارتباطی و همچنین به دستاوردهای انقلاب در امور نظامی مجهز شود، چالش کمتری در این زمینه خواهد داشت. همچنین، در حالی که امروزه هواپیماها و موشک‌های دوربرد دامنه قدرت‌افکنی کشورها را گسترش داده‌اند، نقش آماد و پشتیبانی و توان ترکیب نیروها برای رسیدن به پیروزی را نمی‌توان نادیده انگاشت. با توجه به این مطالب، قدرت‌افکنی پدیده جدیدی نیست و در طول تاریخ و از جمله در اروپای قرون ۱۸ و ۱۹ می‌توان موارد مختلفی از این امر را مشاهده کرد. در اوایل قرن بیستم نیز یکی از نمونه‌های عینی ناتوانی یک کشور در قدرت‌افکنی، شکست روسیه تزاری در جنگ با امپراطوری ژاپن در سال ۱۹۰۵ بود. در این جنگ وقتی ناوگان دریایی روسیه از نیروهای ژاپنی شکست خورد، ناظران غربی با توجه به وضعیت آشفته و تجهیزات فرسوده نیروهای نظامی روسیه در جبهه غرب به این نتیجه رسیدند که روسیه از قدرت‌افکنی لازم برخوردار نبوده و در نتیجه در صحنه دیپلماتیک اهمیت ویژه سیاسی روسیه رو به اضمحلال گذاشت (Power Projection, 1 Nov 2010).



نقشه ۱. موقعیت جغرافیایی چین

## ۲. تقویت روزافزون نیروی نظامی چین

برنامه درازمدت چین برای ایجاد تحول جامع در توان نظامی این کشور با اتکا بر توان بومی و داخلی، ظرفیت قدرت افکنی و جلوگیری از دسترسی دشمن به حریم هوایی این کشور را افزایش داده است. البته در کوتاه مدت، تمرکز اصلی نیروهای این کشور بر تایوان است و در نتیجه بسیاری از سامانه های نظامی این کشور، هدف های نظامی تایوان را نشانه رفته اند که از جمله آنها می توان به موارد زیر اشاره کرد (Annual Report to Congress, 2010: 5-12):

(۱) موشک های بالستیک و کروز: در سطح جهانی، پیشرفته ترین سامانه های موشکی بالستیک و کروز مستقر بر روی خشکی از آن چین می باشد و تقویت توان نظامی چین در این زمینه با برگزاری آزمایش های مختلف، ایجاد واحدهای موشکی جدید و ارتقای توان و دقت هدف گیری سامانه های موجود همچنان ادامه دارد. تا سال ۲۰۰۹، چین تا ۱۱۵۰ موشک بالستیک کوتاه برد را بر روی سکوهای پرتاب به سوی تایوان نصب کرده بود. این موشک ها حامل کلاهک های متعارف و هسته ای می باشند (Annual Report to Congress, 2010: 5).

(۲) نیروی دریایی: از نظر توان نیروی دریایی، ارتش چین قوی ترین نیروی نظامی قاره آسیاست. در حال حاضر، نیروی دریایی چین شامل ۷۵ ناو جنگی بزرگ، ۶۰ زیردریایی، ۵۵ کشتی آبی - خاکی و حدود ۸۵ کشتی موشک انداز می باشد. این در حالی است که ساخت پایگاه دریایی چین در جزیره هاینان، رو به پایان است. انواع کشتی های نظامی و ناو هواپیمابر و زیردریایی های مختلف در این پایگاه می توانند مستقر شوند و از این طریق، افزون بر دسترسی مستقیم نیروهای نظامی چین به دریاهای بین المللی، امکان مخفی شدن این نیروها در این پایگاه برای نیروی دریایی

۱. بزرگترین جزیره چین که در دریای چین واقع شده است.

چین امکانپذیر شده است. در راهبرد نیروی دریایی چین، استفاده از زیردریایی‌های هسته‌ای و واحدهای هواپیماهای جنگی نیز پیش‌بینی شده‌اند.

(۳) نیروی هوایی: سال ۲۰۰۹ شصتمین سال تأسیس نیروی هوایی چین بود. با توجه به اهمیت و نقش نیروهای هوایی در جنگ‌های آینده، دولت چین تلاش زیادی برای نوآوری و نوسازی نیروی هوایی خود کرد. در حال حاضر، چین ۴۹۰ هواپیمای جنگی را برای انجام عملیات در یک بُرد قابل دسترسی به تایوان اختصاص داده است که البته این تعداد را به راحتی می‌تواند افزایش دهد. این تعداد شامل هواپیماهای نوسازی شده و البته تعدادی هواپیمای بسیار پیشرفته می‌باشد (Annual Report to Congress, 2010: 5).

(۴) فضا: چین تاکنون ماهواره‌های تجاری، نظامی و اطلاعاتی - تجسسی مختلفی به فضا پرتاب کرده است. یکی از هدف‌های مهم این برنامه‌ها جلوگیری از دسترسی نیروهای نظامی دشمن به حریم این کشور در زمان جنگ است. برنامه تقویت توان فضایی چین و بهره‌برداری نظامی از آن همچنان ادامه دارد.

(۵) رایاورد (جنگ سایبری): در سال ۲۰۰۹، چین عملیات بزرگی برای دسترسی به سامانه‌های رایانه‌ای در سراسر دنیا و از جمله آمریکا به راه‌انداخته و نرم‌افزارهای جاسوسی در بسیاری از رایانه‌های کشورهای دیگر نصب کرده است. البته مشخص نیست که این عملیات توسط و زیر نظر ارتش این کشور انجام گرفته باشد، ولی امکان بهره‌گیری از اطلاعات به دست آمده از این طریق برای ارتش چین بعید نیست. به‌طور کلی، در رایاورد نیز از همین شیوه برای نفوذ در سامانه‌های کشور هدف و تخریب آن استفاده می‌شود.

(۶) نیروی زمینی: بزرگ‌ترین ارتش دنیا با ۱/۲۵ میلیون نفر نیروی فعال و ۵۰۰ هزار نفر نیروی ذخیره در اختیار چین است که حدود ۴۰۰ هزار نفر از نیروهای فعال در سه پایگاه نظامی در مقابل مرزهای تایوان مستقر می‌باشند. البته نیروهای زمینی چین با توجه به سیاست‌های پیشین این کشور اغلب به شکل سنتی بوده‌اند و نوسازی آنها

هزینه‌های بسیار سنگینی را در پی دارد. با این حال، سیاست نوسازی چین در زمینه نیروهای زمینی نیز چشم‌انداز خوبی برای این کشور دارد و در سایه همین سیاست، قابلیت‌های مشارکت نیروی زمینی چین در عملیات‌های پیچیده و هماهنگ با نیروی هوایی و دریایی افزایش یافته است (Annual Report to Congress, 2010: 8).

مهم‌ترین تحول جدید در رهنامه نظامی چین، توجه گسترده به آموزش نیروهای نظامی برای کسب قابلیت انجام عملیات با استفاده از فناوری‌های جدید و عملیات‌های چندگانه و هماهنگی بین نیروهای هوایی، دریایی و زمینی می‌باشد. این اولویت بسیار مهم، در برنامه سال ۲۰۰۸ آموزش و ارزیابی نیروهای نظامی مورد تأکید ویژه قرار گرفته است. برگزاری عملیات‌های مشترک و بهره‌گیری از تمام توانمندی‌های چین در سطح ملی و منطقه‌ای و نیز توان جنگ ناهمگون در برابر رقبای جایگاه مهمی در رهنامه نظامی این کشور دارد، اما از آنجا که چین در سال‌های اخیر وارد جنگ نشده است، ارزیابی برنامه‌ها و توانمندی‌های نظامی این کشور نه تنها برای ناظران خارجی، بلکه حتی برای خود سیاستمداران چینی نیز دشوار است. در عین حال، طبق برنامه بالا، نیروهای نظامی چین باید توانایی فعالیت در عملیات‌های غیر جنگی نظیر مبارزه علیه تروریسم، انجام فعالیت در شرایط اضطراری، کمک‌رسانی در حوادث و بلایای طبیعی و مشارکت در عملیات‌های حفظ صلح بین‌المللی را نیز به دست آورند. گفتنی است که چین در حال حاضر، به منظور همگام شدن با سرعت پیشرفت‌های فناورانه مجبور به تکیه بر منابع خارجی نیز می‌باشد و به‌طور طبیعی، تحمیل منع صدور اقلام دارای کاربرد دوگانه توسط کشورهای پیشرفته دیگر به چین، توان نظامی رو به رشد این کشور را در کوتاه‌مدت به چالش کشیده است.

### ۳. نقش نیروهای نظامی چین در خارج از کشور

دولت چین قصد دارد از طریق همکاری نظامی با کشورهای دیگر، افزون بر بهبود روابط سیاسی با آنها و کاهش نگرانی آنها از ظهور چین قدرتمند، چهره مطلوبی نیز از

خود در سطح بین‌المللی به نمایش بگذارد. همان گونه که اشاره شد، ارتش چین در طیف گسترده‌ای از برنامه‌های بین‌المللی - از مبارزه علیه تروریسم و دزدی دریایی گرفته تا امدادرسانی به قربانیان حوادث و بلایای طبیعی در گوشه و کنار جهان - مشارکت دارد. از جمله با حملات مکرر دزدان دریایی سومالی به کشتی‌های تجاری، چین در سال ۲۰۰۸ یگان دریایی ویژه‌ای برای مبارزه با این دزدان دریایی به خلیج عدن اعزام کرد که تاکنون در آنجا مستقر بوده و کمک‌های پشتیبانی ویژه‌ای به این یگان فرستاده است. این، اولین تجربه چین برای استقرار نیروهای خود در منطقه‌ای فراتر از پاسیفیک غربی بوده است.

در سال ۲۰۰۹ نیز وزارت دفاع چین، با ایجاد یک وب‌گاه اینترنتی مخصوص به زبان چینی و انگلیسی، تلاش کرده است چهره مناسبی از ارتش این کشور به مخاطبان خود ارائه دهد. در راستای این هدف، چین تاکنون ۱۰۹ وابسته نظامی به کشورهای مختلف اعزام کرده است و سالانه افزون بر اعزام بیش از ۱۰۰ هیئت نظامی به کشورهای خارجی، با بیش از ۲۰۰ هیئت نظامی اعزامی از کشورهای دیگر در مورد مسائل راهبردی مانند مبادلات نظامی و همکاری‌های دفاعی مذاکره می‌کند (Annual Report to Congress, 2010: 16).

همکاری نظامی چین با کشورهای دیگر به‌طور عمده موارد زیر را در بر می‌گیرد:

(۱) رزمایش‌های مشترک: مشارکت نیروهای نظامی چین در رزمایش‌های دو جانبه و چندجانبه رو به افزایش است. این رزمایش‌ها افزون بر منافع سیاسی برای دولت چین، ثمرات مهمی در پیشرفت تاکتیکی، فنی و فناورانه ارتش این کشور به همراه دارد. تنها در سال ۲۰۰۹، چین رزمایش‌های مشترک دو جانبه‌ای با پاکستان، گابن، سنگاپور، مغولستان و روسیه برگزار کرد.

(۲) عملیات‌های حفظ صلح و ارسال کمک‌های بشردوستانه: از سال ۲۰۰۲ کمک‌های چین به نیروهای حافظ صلح سازمان ملل افزایش یافته است. در حال حاضر ۲۱۰۰



نیروی چینی در قالب این نیروها و در بخش‌های نظامی و غیرنظامی مختلف مشغول فعالیت هستند و تاکنون در ۲۲ عملیات، ۱۲۰۰۰ نیروی خود را در اختیار سازمان ملل گذاشته است. از این نظر، چین در بین پنج عضو دائم شورای امنیت، مقام اول را دارد. دولت چین ارسال کمک‌های بشردوستانه را نیز زمینه مهمی برای عملی کردن برنامه‌های بین‌المللی خود یافته است و در سال ۲۰۰۹ برای اولین بار کشتی بیمارستانی خود را به روی نیروهای نظامی خارجی گشود. طبق آمار منتشر شده در سالنامه «موازنه نظامی ۲۰۱۰»، دولت چین، به عنوان بیستمین کشور فعال جهان از نظر تعداد نیروهای شرکت‌کننده در برنامه‌های حفظ صلح سازمان ملل، در قالب برنامه‌های این سازمان اقدام‌های زیر را انجام داده است:

- (۲-۱) اعزام ۱۲ نیرو برای حضور در گروه نظارت بر آتش‌بس مغرب و پلیساریو در صحرای غربی؛
- (۲-۲) اعزام ۷ نیرو برای نظارت بر آتش‌بس و رعایت تحریم تسلیحاتی گروه‌های متخاصم در ساحل عاج؛
- (۲-۳) اعزام ۲۱۸ سرباز و ۱۵ ناظر برای نظارت بر صلح در جمهوری دموکراتیک کنگو؛
- (۲-۴) اعزام ۳۴۴ سرباز برای کمک به دولت لبنان با هدف تأمین امنیت مرزهای این کشور و کمک به پاکسازی جنوب آن؛
- (۲-۵) اعزام ۵۶۴ سرباز و دو ناظر به لیبیا برای اصلاح ساختار نظامی و تقویت امنیت این کشور؛
- (۲-۶) اعزام ۴۴۴ سرباز و ۱۲ ناظر برای نظارت بر اجرای توافقنامه صلح به‌منظور بازگشت آوارگان به شهرها و روستاهای خود در کشور سودان؛ افزون بر این چین ۳۲۵ نیروی دیگر برای کمک به جلوگیری از وقوع خشونت بین غیرنظامیان به منطقه دارفور سودان اعزام کرده است؛

(۲-۷) اعزام دو مربی برای آموزش نیروهای پلیس تیمور. گفتنی است که سهم چین از بودجه نیروهای حفظ صلح سازمان ملل در سال ۲۰۰۹، ۳ درصد بوده و در نتیجه، رتبه این کشور در بین بیست کشور فعال جهان در برنامه یادشده، مقام هفتم است.

#### ۴. اولویت‌های راهبردی چین

در چند سال اخیر، چین شروع به انتشار اسنادی درباره سیاست‌های نظامی و راهبردی خود کرده است. در آخرین سندی که چین در این خصوص در سال ۲۰۰۸ منتشر کرده است، تقویت امنیت و وحدت ملی، تضمین توسعه اقتصادی، تقویت دفاع ملی و پیشرفت نیروهای مسلح، همگامی ارتش با پیشرفت‌های فناوری‌های اطلاعاتی، اجرای راهبرد دفاعی فعال، راهبرد هسته‌ای مبتنی بر دفاع مشروع و ایجاد محیط امنیتی مساعد با توسعه چین، به عنوان هدف‌های مهم این سند یاد شده‌اند. در اسناد دیگر از این هدف‌ها به عنوان رسالت‌هایی تاریخی برای تعیین و هدایت سرنوشت کشور یاد شده است (Annual Report to Congress, 2010: 32).

گفتنی است که از نظر طراحان نظامی چین، راهبرد دفاعی فعال در زمینه‌های مختلف، دارای هدف‌های مختلف می‌باشد که عبارت است از: در زمینه دریایی، دفاع و مقابله با دشمن در آب‌های آزاد و جلوگیری از کشانده شدن جنگ به ساحل این کشور؛ در بُعد زمینی، توان حفظ امنیت مرزها و ثبات داخلی و قدرت‌افکنی منطقه‌ای با استفاده از نیروهای زمینی؛ در زمینه هوایی، توان تهاجمی و تدافعی در برابر نیروهای دشمن در مسافت‌های طولانی؛ در زمینه فضایی، بهره‌برداری از ماهواره در تمام عملیات‌های زمینی، هوایی و دریایی؛ و در زمینه امور اطلاعاتی، ایجاد شبکه‌ای که در همان مرحله نخست جنگ به برتری یافتن نیروهای چینی کمک نماید (Johnston, 1995: 79).

این موارد، همه هدف‌هایی نیست که چین به دنبال آن می‌باشد. به عبارتی با توجه به هزینه‌های نظامی کلان این کشور، مقاصد و هدف‌هایی فراتر از موارد مورد اشاره باید در دستور کار این کشور باشد. بنابراین، در عمل، عدم شفافیت کامل چین از یکسو و گمانه‌زنی‌های کشورهای رقیب از سوی دیگر، موجب سوءظن‌های بیشتر به سیاست‌های چین شده‌اند.

اما در هر صورت، رهبران چین در سیاستگذاری‌های خود برخی اولویت‌ها نظیر تداوم حاکمیت حزب کمونیست، رشد و توسعه اقتصادی، حفظ ثبات سیاسی داخلی و حفظ موقعیت چین به عنوان یک قدرت بزرگ را همواره مد نظر قرار می‌دهند. برای آنها دهه‌های اول قرن ۲۱، فرصت‌هایی راهبردی است که می‌خواهند با تداوم هر چه بیشتر آنها، نهایت استفاده را برای توسعه کشور خود به عمل آورند. در حالی که مقامات ارشد چین به‌طور مکرر خود را به لزوم ادامه اصلاحات و فضای بازی که از سال ۱۹۷۸ شروع شده است، متعهد نشان می‌دهند، اما به‌طور ضمنی به این نکته هم اذعان دارند که در نتیجه اصلاحات مزبور، ثبات داخلی به چالش کشیده شده و نیز سیاست‌های چین به نوعی با برنامه‌های نظام بین‌المللی در هم تنیده شده است، که دیگر ادامه سیاست انزوا برای چین میسر و آسان نیست (Bijian, Sep-Oct 2005: 21).

در نتیجه، رهبران چین به نوعی بازنگری در سیاست اصلاحات سوق داده شده و به این تصمیم رسیده‌اند که به منظور تداوم رشد و توسعه اقتصادی تا سال ۲۰۲۰ نباید بحران عمده‌ای با قدرت‌های دیگر به وجود آید. با این تفاوت که لحن و زبان چین نسبت به گذشته تغییر کرده است. در مقایسه با میل به انزواگرایی گذشته، رهبران کنونی این کشور معتقدند که از یکسو، چین بدون تعامل با نظام بین‌الملل قادر به توسعه نخواهد بود و از سوی دیگر، نظام بین‌المللی نیز بدون چین قادر به تأمین رفاه و ثبات نمی‌باشد. با وجود این، عواملی همچون گرایش‌های ملی‌گرایانه، نیازهای اقتصادی، فشارهای سیاسی داخلی، جمعیت فزاینده، مشروعیت رژیم سیاسی، مسئله تایوان و

ملاحظات و نگرانی‌های منطقه‌ای به عنوان موانعی بالقوه برای عرض اندام چین در سطح جهانی به شمار می‌روند (Pan and Chi, 16 Mar 1999: 368).

در عین حال، برخی اوقات اظهارنظرهای متفاوتی به خصوص از سوی محافل علمی چین به گوش می‌رسد و آنها در توان چین برای مدیریت مطلوب سیاست خارجی به گونه‌ای که بحرانی با همسایگان و آمریکا به وجود نیاید، تشکیک می‌کنند. هنوز برخی از مقام‌ها به آموزه‌های دنگ شیائو پینگ، رئیس جمهور سابق چین، مبنی بر حفظ آرامش درونی و عدم افشای پیشرفت‌های چین وفادارند، اما برخی دیگر این دیدگاه را با نقش روزافزونی که چین متناسب با رشد خود در نظام بین‌المللی باید برعهده گیرد، ناسازگار می‌دانند. گروهی دیگر نیز معتقدند که چین باید در مواضع خارجی خود در برابر آمریکا و همسایگان خود سرسختی بیشتری از خود نشان دهد. با توجه به سیاست‌های کنونی دولت چین می‌توان گفت که هیچ‌کدام از این دیدگاه‌ها به تنهایی در سیاستگذاری‌های این کشور، تعیین‌کننده نیستند، اما همه این دل‌مشغولی‌ها در هدایت سکان سیاسی کشور به‌نوعی تأثیرگذار هستند (Annual Report to Congress, 2010: 52).

## ۵. قدرت افکنی در تایوان

همان‌گونه که اشاره شد، مهم‌ترین اولویت قدرت افکنی چین، مسئله تایوان می‌باشد و به این منظور نه تنها چین آرایش نیروهای نظامی خود را برای کسب نتیجه در یک بحران فرضی بر سر تایوان درآورده است، بلکه با تلاش برای افزایش قدرت نظامی خود تلاش می‌کند تا قدرت تأثیرگذاری بلامنازع را کسب کند. این افزایش قدرت نظامی تأثیر خود را نشان داده است. رزمایش‌های نظامی متعدد چین در سال ۱۹۹۶ در سواحل تایوان مانع از انتخاب «لی تنگ هو»، رئیس جمهور تایوان نشد که چین وی را به پناه دادن به هواداران استقلال تایوان متهم می‌کرد؛ زیرا در آن موقع، تهدیدهای ارتش چین از نظر تایوانی‌ها معتبر نبود. حتی اخباری حاکی از عدم هماهنگی بین نیروهای

شرکت‌کننده در رزمایش‌ها به گوش می‌رسید و طرح‌های تهاجمی چین نه تنها جدی گرفته نمی‌شد، بلکه حضور نیروهای دریایی آمریکا در ساحل تایوان تحقیقی برای ارتش چین به شمار می‌رفت (Annual Report to Congress, 2010: 49) اما یک دهه پس از نمایش قدرت نیروهای چینی مجهز به فناوری‌های روز در رزمایش مشترک با روسیه و قدرت هماهنگی بین بخش‌های مختلف ارتش چین، هر چند هنوز با معیارهای آمریکایی فاصله دارد، ولی قدرت خیره‌کننده ارتش چین را به ناظران و رقبای خارجی ثابت کرد. قدرت نظامی چین در آخر اولین دهه قرن ۲۱ نسبت به دهه پیش از آن، چندین برابر شده است. تحت تأثیر همین تاکتیک‌های چین، جبهه متحد ملی تایوان که هوادار اتحاد با چین بود و اکثریت پارلمان تایوان را به دست گرفته است، بارها مانع افزایش بودجه نظامی تایوان و خریدهای نظامی از آمریکا شده است. با افزایش قدرت نظامی چین، لحن مقام‌های چینی در برابر کمک‌های دفاعی آمریکا به تایوان تغییر کرده و حتی یکی از فرماندهان چینی، آمریکا را به حمله اتمی تهدید کرده است (Fisher, 13 April 2006).

## ۶. بحران هسته‌ای کره شمالی

خروج کره شمالی از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در سال ۲۰۰۳ و اقدام به آزمایش‌های هسته‌ای توسط این کشور در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹ (سومین آزمایش هسته‌ای کره شمالی [www.aftabnews.ir](http://www.aftabnews.ir)) موجب ظهور یک بحران هسته‌ای برای نظام بین‌المللی شده است که مدیریت آن مستلزم هماهنگی و مشارکت قدرت‌های بزرگ بوده است. در این راستا، مذاکرات شش‌جانبه‌ای شکل گرفته که آمریکا، روسیه، چین، ژاپن و دو کره در آن شرکت دارند. این مذاکرات تاکنون با فراز و نشیب‌های مختلف همراه بوده و در مواقع مختلف، چین به عنوان ناجی این مذاکرات و ترغیب‌کننده طرف‌های اصلی برای بازگشت به میز مذاکره عمل کرده است (طرح جدید چین ... <http://persian.cri.cn>).

در واقع، عمده‌ترین بازیگر مؤثر، فعال و با سر و صدای کمتر در شبه جزیره کره، چین است. چین به لحاظ تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی، پیوسته نقش جدی و اثرگذار در تحولات شبه‌جزیره داشته و در حال حاضر، عمده‌ترین دوست و محل اتکای کره شمالی است. چین در رابطه با شبه جزیره کره به طور عام و در رابطه با کره شمالی به طور خاص، همزمان باید بین چندین متغیر و هدف، ایجاد تعادل و توازن کند... چین از یکسو در پی آن است که آمریکا بر کل شبه جزیره کره تسلط پیدا نکند و از سوی دیگر، موضوع کره شمالی را به عنوان اهرمی در قضیه تایوان، علیه آمریکا در دست نگه می‌دارد. به طور همزمان هرگونه به هم‌ریختگی، تنش جدی و برخورد نظامی در شبه جزیره کره به امنیت و اقتصاد چین آسیب می‌رساند. بنابراین چین، خواهان ثبات در جزیره کره است. چین به طور خاص نگران سه ایالت هم‌مرز خود با کره شمالی است. بی‌ثباتی در شبه‌جزیره کره، باعث ورود حجم قابل ملاحظه‌ای از پناهندگان کره شمالی به چین خواهد شد... در ماریپچ امنیتی شبه جزیره کره، چین در شورای امنیت، در عین تعدیل مواضع آمریکا، با واشنگتن در صدور قطعنامه‌های سخت علیه کره شمالی همراهی کرده است (سجادپور، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۹).

## ۷. کسب توان قدرت‌افکنی فراتر از تایوان و کره شمالی

کسب توان قدرت‌افکنی برای دولت چین یک هدف کوتاه‌مدت و تنها در سطح منطقه‌ای نیست، بلکه عملکرد این کشور نشان می‌دهد که مقام‌های این کشور به این موضوع به عنوان هدفی راهبردی، درازمدت و در حوزه‌ای فراتر از منطقه خود می‌نگرند (Annual Report to Congress, 2010: 48).

چین به عنوان یک عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل، نقش و حضور جدی در مدیریت بحران‌های بین‌المللی دارد. البته اولویت و میزان دخالت چین در این بحران‌ها - که دو مورد تایوان و کره شمالی به‌شدت مورد توجه فزاینده نظام بین‌المللی

می‌باشد- از مناطق همجوار این کشور شروع می‌شود. در واقع، سیاست چین در ادامه سیاست‌های پیشین این کشور در ۱۰۰ سال گذشته می‌باشد.

با توجه به اقدام‌های چین در دو مورد بالا می‌توان گفت که میراث‌های تاریخی، نقش مهمی در محاسبات سیاسی چین داشته‌اند و همزمان با رشد اقتصادی چین، نوعی ملی‌گرایی چینی نیز در حال ظهور است، به نوعی که ملاحظه منافع ملی، در برخی مواقع بر ملاحظات ایدئولوژیکی برتری می‌یابد. نقش چین در بحران‌های بین‌المللی نشان داده است که نه تنها چین می‌خواهد به تعقیب منافع خود بپردازد، بلکه می‌خواهد به عنوان هماهنگ‌کننده منافع دیگران نیز به ایفای نقش بپردازد. این بُعد از سیاست خارجی چین که نسبت به دو جنبه دیگر تازگی دارد، در چارچوب سیاست چین برای کمک به مدیریت بحران‌های بین‌المللی از طریق هماهنگی با دیگر قدرت‌های بزرگ قرار می‌گیرد و در چند سال اخیر از سوی دولت چین پیگیری شده است (Zhao, 16-17 Dec 2005).

چین در سال‌های اخیر، روابط خود را با هند توسعه داده و حجم تجارت دو کشور از ۱۱/۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ به ۴۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۰ رسیده است. این همکاری‌های اقتصادی، محملی برای همکاری‌های سیاسی و حتی دفاعی نیز شده است؛ به گونه‌ای که مقام‌های نظامی عالیرتبه دو کشور، سالانه جلسات مشورتی دوره‌ای برای تبادل نظر متقابل برگزار می‌کنند. از سال ۲۰۰۷ تاکنون، نیروهای نظامی این دو کشور، سه رزمایش مشترک برگزار کرده‌اند. با وجود این، چین هنوز از دغدغه اختلاف‌ها و درگیرهای ارضی گذشته با هند فارغ نشده است و تلاش می‌کند تا توان بازدارندگی خود را در برابر این قدرت رو به رشد همواره حفظ کند (Hsieh and Klenow, 2 Aug 2007: 1410).

این وضعیت (منافع مشترک در عین منافع ناسازگار) در روابط چین با روسیه نیز صادق است. دولتمردان چینی، روسیه را نزدیک‌ترین شریک بین‌المللی خود می‌دانند و سازمان همکاری شانگهای را به‌طور مشترک اداره می‌کنند، اما دو کشور به سیاست‌های درازمدت همدیگر بدبین هستند و هرچند پس از فروپاشی شوروی، از

نظر چینی‌ها احتمال درگیری میان دو کشور کمتر شده است، اما هنوز چین بخش مهمی از نیروهای خود را در نواحی نزدیک به مرزهای روسیه متمرکز کرده است (Menon, June 2007: 16).

تحولات آسیای میانه و قرابت‌های فرهنگی مردم این منطقه با مرزنشینان غرب چین نیز احتمال تأثیرپذیری چین از این تحولات را افزایش می‌دهد (Pannier, 4 April 2010). همه عوامل بالا و نیز رقابت کشورهای مختلف برای بهره‌برداری از منابع دریای جنوب چین، مقام‌های این کشور را به تأمین توان قدرت‌افکنی در حوزه‌ای فراتر از تایوان سوق می‌دهند.

## ۸. بازتاب‌های منطقه‌ای قدرت افکنی چین

همان طور که گفته شد، اولویت اصلی سیاست قدرت افکنی چین، مسئله تایوان می‌باشد و حتی با انتخاب ماینگ جو، رئیس جمهور میانه‌رو تایوان در انتخابات مارس ۲۰۰۸، احتمال درگیری نظامی میان چین و تایوان و سرانجام، دخالت آمریکا در این درگیری برای چین موضوعی بسیار نگران‌کننده باقی مانده است (Annual Report to Congress, 2010: 52). گفتنی است که مهم‌ترین دغدغه چین در موضوع تایوان، پشتیبانی آمریکا از تایوان می‌باشد؛ چرا که بدون حمایت‌های آمریکا، چین تاکنون توانسته بود به این معضل پایان دهد. برای رهبران چین ورود به چنین جنگی همانقدر که به روند نوسازی ارتش لطمه می‌زند، با از دست دادن دائمی تایوان، مشروعیت سیاسی رژیم حاکم نیز به خطر می‌افتد. بنابراین آنها همیشه بین این دو طرف معادله قدرت، درگیر هستند (Chow, 4 Dec 2000). اهمیت مسئله تایوان برای چین به اندازه‌ای است که در آینده نزدیک، عمده توان این کشور برای قدرت افکنی، در سطح منطقه‌ای متمرکز خواهد بود تا افزون بر جلوگیری از استقلال تایوان، این مسئله به نفع چین خاتمه یابد، اما به دست آوردن توانمندی‌های لازم برای این هدف، چین را به نوعی قادر خواهد ساخت در دیگر نقاط



دنیا نیز به عملیات‌های کم‌شدت بپردازد. معنی این نظر آن است که در همین مدت، چین قادر به عملیات‌های عمده در نواحی دور دست نخواهد بود.

افزون بر مسئله تایوان و سیاست منطقه‌ای آمریکا، چین با متحدان منطقه‌ای آمریکا نیز مواجه است. برای مثال، ژاپن و هند به‌طور جداگانه یا مشترک به رقابت راهبردی با چین می‌پردازند و برقراری و حفظ موازنه را به عنوان یک اصل در رفتار خود تلقی می‌کنند (شریعتی‌نیا، شهریور ۱۳۸۷). در نتیجه، سیاست‌های چین نیز با محاسبه اقدام‌های کشورهای فوق تنظیم و اعمال می‌شوند.

در نهایت، در سطح منطقه‌ای باید گفت که با توجه به نزدیکی و دخالت چین در بسیاری از بحران‌ها در گوشه و کنار جهان و به خصوص بحران‌های منطقه‌ای مانند کره شمالی، پاکستان و افغانستان، دولت چین نهایت تلاش خود را به‌کار می‌بندد تا از نزدیک شدن این بحران‌ها به مرزهای خود و به تبع آن آسیب رسیدن به رشد اقتصادی این کشور جلوگیری کند.

## ۹. بازتاب‌های جهانی قدرت‌افکنی چین

یک سرمنشأ مهم نیاز چین به قدرت‌افکنی در سطح جهانی در آینده نزدیک، نیاز این کشور به تأمین انرژی و به خصوص نفت و گاز مورد نیاز برای سرعت بخشیدن به آهنگ رشد اقتصادی این کشور است. هر چند سیاست اصلی چین در درازمدت تکیه بر منابع داخلی و استفاده از معادن ذغال سنگ به جای نفت و گاز می‌باشد - و در این زمینه هر سال از میزان وابستگی به منابع خارجی کاسته می‌شود - در حال حاضر، امنیت انرژی و به‌خصوص تکیه بر بازارهای با ثبات‌تر و نیز حمل‌ونقل لوله‌ای نفت و گاز به جای حمل و نقل دریایی، حضور و نقش فعال چین در مناطق مختلف دنیا را ایجاب می‌کند و یکی از مهم‌ترین سازوکارهای تأمین این هدف، افزایش توان قدرت‌افکنی چین می‌باشد. اهمیت این امر زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم چین برای تأمین انرژی خود، با کشورهایی در

تمام قاره‌های دنیا در تعامل است که خود این امر به تنوع بخشی بازار عرضه برای چین کمک می‌کند. از سوی دیگر، از نظر ایالات متحده، بخشی از سرمایه‌گذاری‌های چین در حوزه نظامی - که طیفی از افزایش قابلیت‌های نیروی دریایی و هوایی، افزایش توانایی‌های راداری و سامانه‌های پیشرفته موشکی و تسلیحاتی را دربرمی‌گیرد - توانایی نظامی چین را به کل منطقه آسیای شرقی گسترش می‌دهد و موشک‌های بالستیک قاره‌پیما و جنگنده‌ها و زیردریایی‌های خریداری شده از روسیه، قابلیت‌های این کشور را از آسیا فراتر می‌برد (شریعتی‌نیا، شهریور ۱۳۸۷). در نتیجه، آمریکا برای ایجاد توازن قدرت در منطقه آسیا، افزون بر افزایش همکاری‌های نظامی با متحدان پیشین خود، با شرکای جدید و از جمله هند نیز همکاری‌های دفاعی را شروع کرده است.

ایالات متحده آمریکا در مواقع مختلف به افزایش قدرت نظامی چین واکنش نشان داده است. مقام‌های آمریکایی با تأکید بر اینکه هیچ کشوری چین را تهدید نمی‌کند، به طرح این پرسش پرداخته‌اند که چرا چین باید قدرت نظامی خود را به‌طور مداوم تقویت کند؟ (Fisher, 13 April 2006). ژاپن، هند و کره جنوبی نیز همواره به افزایش قدرت نظامی چین انتقاد کرده‌اند. دلیل واکنش‌های فوق، افزایش روزافزون قدرت نظامی چین است. به این ترتیب توان قدرت افکنی این کشور، موازنه قدرت در آسیا را به ضرر متحدان آمریکا در این قاره تمام می‌کند، اما برخی از ناظران سیاسی اعتقاد به تبدیل چین به یک قدرت جهانی را با توانمندی‌های کنونی غیرواقع بینانه می‌دانند (Odgaard, 7 May 2007).



## ۱۰. نگاه مقایسه‌ای

توان قدرت افکنی چین زمانی روشن‌تر خواهد شد که قدرت نظامی این کشور در مقایسه با رقبای آن مورد بررسی قرار گیرد که در نشانگر زیر گزیده‌ای از آمار مربوط ارائه گردیده است.

جدول ۱. روند و ترکیب هزینه‌های نظامی چین در سال ۲۰۰۸

تعداد نیروها در سال ۲۰۱۰ (هزار نفر)			درصد هزینه‌ها نسبت به تولید ناخالص داخلی			سراشته هزینه‌ها (دلار آمریکا)			رقم هزینه‌ها صد میلیون دلار آمریکا		
شبه نظامی	ذخیره	نیروهای موجود	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶
۶۶۰	۵۱۰	۲,۲۸۵	۱,۳۶	۱,۳۶	۱,۳۲	۴۵	۳۵	۲۷	۶۰,۱۸۷	۴۶,۱۷۴	۳۵,۲۳۳

Source: IISS, The Military Balance, 2010: 465

جدول ۲. روند و ترکیب هزینه‌های نظامی رقابتی مهم چین در سال ۲۰۰۸

سال کشور	تعداد نیروها در سال ۲۰۱۰			درصد هزینه‌ها نسبت به تولید ناخالص داخلی			سراشته هزینه‌ها (دلار آمریکا)			رقم هزینه‌ها صد میلیون دلار آمریکا		
	شبه نظامی	ذخیره	نیروهای موجود	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶
آمریکا	۰	۸۶۵	۱,۵۸۰	۷,۸۸	۴,۵۳	۷,۶۸	۲,۹۰	۲,۸۷	۲,۶۸	۶۳۵,۵۰	۶۶۲,۶۶	۶۱۷,۱۵۵
روسیه	۴۴۹	۲۰,۰۰۰	۱,۰۲۷	۲,۴۱	۲,۴۸	۲,۴۸	۷۸۸	۲۷۸	۱۷۳	۳۳۲,۱۵	۴۰۸,۴۰	۲۴۵,۸۷
هند	۱,۳۰۱	۱,۱۵۵	۱,۳۳۵	۲,۵۱	۲,۳۳	۲,۴۶	۷۸	۴۴	۲۰	۲۶,۵۱۳	۳۱,۵۴۰	۲۲,۴۲۸
تایوان	۱۷	۱,۶۵۷	۲۶۰	۲,۱۶	۲,۳۳	۲,۳۵	۴۵۸	۲۸۹	۲۵۷	۹۰,۱۵	۱۰۶,۴۵	۸۱,۳۱
ژاپن	۱۱	۴۱	۳۳۰	۳,۰۰	۳,۰۰	۳,۰۰	۳۶۲	۳۲۲	۳۲۳	۴۱,۰۳۹	۴۶,۰۴۴	۴۱,۰۳۹
کره جنوبی	۵	۴,۵۰۰	۶۸۷	۲,۶۰	۲,۵۳	۲,۵۹	۵۰۰	۵۵۱	۵۰۵	۷۶,۵۸۸	۸۷,۱۸۲	۶۴,۶۵
استرالیا	۰	۲۰	۵۵	۲,۳۴	۲,۳۴	۲,۳۵	۱,۰۵۶	۹۷۴	۸۴۹	۲۰,۲۱۶	۲۲,۱۹۴	۱۷,۲۰۸

Source: IISS, The Military Balance, 2010: 462-467

جدول ۳. روند و ترکیب هزینه‌های نظامی گروه‌ها و مناطق مختلف دنیا در سال ۲۰۰۸

سال	رقم هزینه‌ها صد میلیون دلار آمریکا			سراشته هزینه‌ها (دلار آمریکا)			درصد هزینه‌ها نسبت به تولید ناخالص داخلی			تعداد نیروها در سال ۲۰۱۰		
	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	نیروهای موجود	ذخیره	نسبت به نظامی
ناتو بدون آمریکا	۲۱۶,۶۶۹	۲۱۶,۶۶۹	۲۱۶,۶۶۹	۵۵۶	۵۵۶	۵۵۶	۱,۷۵	۱,۷۵	۱,۷۵	۶۱۶	۶۱۶	۶۱۶
کل ناتو	۹۳۳,۳۱۶	۹۳۳,۳۱۶	۹۳۳,۳۱۶	۱,۰۳۳	۱,۰۳۳	۱,۰۳۳	۵,۰۶	۵,۰۶	۵,۰۶	۱,۷۸۱	۱,۷۸۱	۱,۷۸۱
کشورهای اروپایی غیر عضو ناتو	۳۳,۵۹۰	۳۳,۵۹۰	۳۳,۵۹۰	۱۵۱	۱۵۱	۱۵۱	۱,۱۸	۱,۱۸	۱,۱۸	۲,۵۶۵	۲,۵۶۵	۲,۵۶۵
خاورمیانه و شمال آفریقا	۹۵,۰۶۸	۹۵,۰۶۸	۹۵,۰۶۸	۲۶۹	۲۶۹	۲۶۹	۵,۰۶	۵,۰۶	۵,۰۶	۲,۱۳۷	۲,۱۳۷	۲,۱۳۷
آسیای میانه و جنوبی	۳۵,۱۶۶	۳۵,۱۶۶	۳۵,۱۶۶	۳۲	۳۲	۳۲	۲,۲۷	۲,۲۷	۲,۲۷	۱,۹۱۹	۱,۹۱۹	۱,۹۱۹
آسیای شرقی و استرالیا	۱۶۷,۱۹۹	۱۶۷,۱۹۹	۱۶۷,۱۹۹	۷۸	۷۸	۷۸	۱,۳۵	۱,۳۵	۱,۳۵	۱۷,۶۷۰	۱۷,۶۷۰	۱۷,۶۷۰
آمریکای لاتین و کارائیب	۳۷,۳۱۰	۳۷,۳۱۰	۳۷,۳۱۰	۸۴	۸۴	۸۴	۱,۲۹	۱,۲۹	۱,۲۹	۲,۱۳۶	۲,۱۳۶	۲,۱۳۶
آفریقای زیر صحرا	۱۱,۳۳۳	۱۱,۳۳۳	۱۱,۳۳۳	۱۴	۱۴	۱۴	۱,۳۱	۱,۳۱	۱,۳۱	۳۷۸	۳۷۸	۳۷۸
کل جهان	۱,۳۰۴,۳۳۶	۱,۳۰۴,۳۳۶	۱,۳۰۴,۳۳۶	۲۳۳	۲۳۳	۲۳۳	۲,۵۶	۲,۵۶	۲,۵۶	۱۰,۱۶۴	۱۰,۱۶۴	۱۰,۱۶۴

Source: IISS, The Military Balance, 2010: 468

جدول ۴. صادرات و واردات اسلحه در سال ۲۰۰۸ (براساس قراردادهای منعقد شده)

بزرگ‌ترین صادرکنندگان اسلحه (میلیون دلار)		بزرگ‌ترین واردکنندگان اسلحه در بین کشورهای در حال توسعه	
مقدار	کشور	مقدار	کشور
۱۲,۲۳۲	آمریکا	۱,۸۰۰	عربستان
۵,۴۰۰	روسیه	۱,۸۰۰	هند
۲,۹۰۰	آلمان	۱,۵۰۰	ونزوئلا
۲,۰۰۰	انگلیس	۱,۴۰۰	کره جنوبی
۱,۴۰۰	چین	۱,۲۰۰	رژیم اشغالگر قدس
۹۰۰	فرانسه	۱,۱۰۰	مصر
۹۰۰	رژیم اشغالگر قدس	۱,۱۰۰	چین
۸۰۰	سوئد	۸۰۰	سنگاپور
۷۰۰	هلند	۸۰۰	عراق
۵۰۰	اتریش	۷۰۰	پاکستان

Source: IISS, The Military Balance, 2010: 469

## نتیجه‌گیری

در ۳۰ سال گذشته، چین در زمینه رشد و توسعه اقتصادی به پیشرفت‌های قابل توجهی دست یافته است. این دستاوردها در عین کمک به بالا رفتن سطح زندگی مردم چین، امکان تحرکات بین‌المللی مؤثرتر را نیز برای دولت این کشور فراهم آورده است. در مجموع دستاوردهای فوق در کنار تلاش مستمر این کشور برای دستیابی به پیشرفت‌های علمی و فناورانه و تلاش برای همگام شدن با پدیده انقلاب بین‌المللی در امور نظامی، سیاست اصولی چین برای تحول قدرت ارتش این کشور را تسهیل کرده است.

سرعت و دامنه نوسازی ارتش چین در مقایسه با سال‌های گذشته بسیار چشمگیر بوده و در نتیجه، چین به عنوان یکی از فروشندگان عمده اسلحه در دنیا ظاهر شده است. همچنین گزینه‌های این کشور برای دستیابی به هدف‌های دیپلماتیک و یا حل بحران‌ها به نفع این کشور با اتکا به توان نظامی آن متنوع‌تر شده است. گفتنی است که طبق سیاست دولت چین و به منظور مدیریت صحیح نیروهای دفاعی این کشور، ترکیبی از نیروهای متعارف و غیرمتعارف (هسته‌ای) برای تأمین منافع ملی آن به کار گرفته می‌شود.

در واقع، از اوایل دهه میلادی حاضر، دولت چین نقش‌ها و مأموریت‌های جدیدی برای ارتش این کشور تعریف کرده و بر اساس آن، دامنه وظایف نیروهای نظامی این کشور فراتر از مرزهای آن تعریف شده است. بر همین مبنا، نیروهای چینی در مأموریت‌های حفظ صلح بین‌المللی، کمک‌رسانی‌های بشردوستانه و مبارزه با دزدی دریایی شرکت می‌کنند. چین در قالب برنامه سازمان ملل برای ایجاد و حفظ صلح، فعال است و از سال ۱۹۹۰ دولت این کشور ۵۹۱۵ نفر نیروی نظامی را برای شرکت در ۱۶ عملیات حفظ صلح سازمان ملل اعزام کرده است. تاکنون بعضی از این افراد در حین انجام مأموریت کشته و زخمی شده‌اند. در حال حاضر نیز ۱۴۸۷ نفر از اتباع چین در ۹ مأموریت صلح‌بانی سازمان ملل شرکت دارند.

افزون بر این، چین به‌طور روزافزون، نفع و امنیت خود را در همکاری و هماهنگی با نظام بین‌المللی دیده و در نتیجه، سیاست‌های ماجراجویانه دوره مائو را کنار گذاشته است. رهبران کنونی چین نفع عالی و رسیدن به توسعه اقتصادی و در نتیجه، تقویت توان دفاعی این کشور را در تأمین و حفظ ثبات و آرامش می‌بینند. در نتیجه، چین به‌جز در مواردی که منافع عالی‌اش به خطر می‌افتد، در برابر توسعه‌طلبی‌های آمریکا واکنش تند نشان نمی‌دهد. افزون بر ملاحظه‌های اقتصادی و مالی، متأثر از ملاحظات سیاسی و اجتماعی و نیز بر اساس آموزه‌های تاریخی و سنتی، انعطاف‌پذیری، یکی از

خصوصیات بارز تصمیم‌گیری‌های راهبردی این کشور می‌باشد. نتیجه این دیدگاه در خط‌مشی عملی چین به صورت پرهیز از ورود فعال به منازعات و ماجراجویی از یکسو و تلاش برای کمک به مدیریت بحران‌های بین‌المللی از سوی دیگر است. تأمین و حفظ منافع اقتصادی و بازرگانی این کشور، یکی از ملاحظات مهم در تصمیم‌گیری‌های حتی سیاسی و دفاعی است.

هر چند دولت چین نوسازی ارتش و دسترسی به سلاح‌ها و فناوری‌های نظامی جدید را در اولویت اصلی خود قرار داده است، سیاست‌های به ظاهر محافظه‌کارانه چین، حاکی از خودداری این کشور از قدرت‌افکنی در سطح جهانی و اقصی نقاط دنیا بوده و تمرکز این کشور را بر مسائل امنیتی پیرامون خود به خصوص در ارتباط با تایوان، کره شمالی و دریای چین نشان می‌دهد که با موفقیت نسبی نیز همراه بوده است. در عین حال، شفافیت کمتر سیاست‌ها و عملکرد چین در زمینه نظامی - که چینی‌ها به طور عمدی به آن دامن می‌زنند، موجب برخی سوءبرداشت‌های قدرت‌های غربی شده است. این شفافیت کمتر نیز می‌تواند به دلایل مختلف و از جمله تلاش چینی‌ها برای اتخاذ سیاست غیرتحریک‌آمیز، جلوگیری از توجه ویژه نظام بین‌الملل به تحولات نظامی این کشور و سیاست سنتی این کشور برای مخفی‌کاری و شفاف نساختن مسائل باشد. در حالی که رهبران چین سیاست دفاعی خود را دفاعی و نه تهاجمی عنوان می‌کنند، رقبای این کشور ادعای مزبور را باور ندارند. از نظر گروه اخیر، رهنامه نظامی این کشور، روند صعودی افزایش هزینه‌های نظامی همراه با سیاست حرفه‌ای و کارآمد کردن نیروها و تلاش برای تجهیز نیروهای خود به آخرین دستاوردهای نظامی و فناوری‌های برتر، نشان‌دهنده تلاش مداوم چین برای کسب و حفظ یک توان نظامی بسیار زیاد است که به راحتی می‌تواند حالت تهاجمی نیز بگیرد.

## منابع و مآخذ

## ۱. منابع فارسی

۱. سجادپور، سیدمحمدکاظم (۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۹)، «شبه جزیره کره و امنیت بین‌المللی؛ بازیگران و محیط شکننده - ۲»، *روزنامه اطلاعات*، شماره ۲۴۷۵۳.
۲. سومین آزمایش هسته‌ای کره شمالی، قابل دسترسی در:  
<http://www.aftabnews.ir/vdcb88b8wrhb85p.uiur.html>
۳. شریعتی‌نیا، محسن (شهریور ۱۳۸۷)، نوسازی نظامی چین؛ ابعاد و واکنش‌ها، قابل دسترسی در:  
<http://www.csr.ir/departments.aspx?lng=fa&abtid=06&&depid=44&semid=1344>
۴. طرح جدید چین برای از سرگیری مذاکرات شش جانبه صلح شبه جزیره کره، قابل دسترسی در:  
<http://persian.cri.cn/141/2010/09/01/1s109853.htm>

## ۲. منابع انگلیسی

1. Annual Report to Congress (2010), *Military and Security Developments Involving the People's Republic of China 2010, Office of the Secretary of Defense*, available at: [www.defense.gov/pubs/pdfs/2010\\_CMPR\\_Final.pdf](http://www.defense.gov/pubs/pdfs/2010_CMPR_Final.pdf)
2. Bijian, Zheng (Sep - Oct 2005), "China's "Peaceful Rise" to Great-Power Status", *Foreign Affairs*, Vol. 84, No. 5.
3. Hsieh, Chang-Tai, Peter J. Klenow (2 Aug 2007), "Misallocation and Manufacturing TFP in China and India" available at: [http://www.economist.com/node/9581310?story\\_id=9581310&CFID=21177043&CFTOKEN=20818109](http://www.economist.com/node/9581310?story_id=9581310&CFID=21177043&CFTOKEN=20818109)
4. Chow, Gregory (4 December 2000), *Mainland China and Taiwan Relation: Where Will it Go?*, available at: [www.princeton.edu/~gchow/mainland128.doc](http://www.princeton.edu/~gchow/mainland128.doc)
5. Fisher, Richard (13 April 2006), "China's 'Power Projection'", *Wall Street Journal*.
6. International Institute for Strategic Studies (2010), *The Military Balance*, London, Routledge.
7. Johnston, Alastair Iain (1995), *Cultural Realism: Strategic Culture and Grand Strategy in Chinese History*, Princeton, Princeton University Press.
8. Lee, Peter A (1999), *Power Projection: A Comparison of The Aerospace Expeditionary Force and The Carrier Battle Group*, AU/ACSC/108/1999-04, Air Command and Staff College Air University.
9. Menon, Rajan (June 2007), "The China-Russia Relationship: What It Involves, Where It Is Headed, and How It Matters for the United States", available at: [www.tcf.org](http://www.tcf.org)
10. Odgaard, Liselotte (7 May 2007) "China's Premature Rise to Great Power", MIT Center for International Studies, available at: <http://www.alternet.org/story/51261/>
11. Pan, Yigang, Peter S. K. Chi (16 Mar 1999), "Financial Performance and Survival of Multinational Corporations in China", *Strategic Management Journal*, Vol 20, Issue 4.



12. Pannier, Bruce (4 April 2010), "Chinese-Central Asian Relationship Requires Delicate Balancing Act", available at: [http://www.rferl.org/content/ChineseCentral\\_Asian\\_Relationship\\_Requires\\_Delicate\\_Balancing\\_Act/2002215.html](http://www.rferl.org/content/ChineseCentral_Asian_Relationship_Requires_Delicate_Balancing_Act/2002215.html)
13. Power projection (1 Nov 2010), [http://en.wikipedia.org/wiki/Power\\_projection](http://en.wikipedia.org/wiki/Power_projection)
14. Zhao, Quansheng (16-17 December 2005), China's Shift toward Co-Management of International Crises - North Korea and Taiwan American University Washington, Paper Prepared for the *International Conference "Comparing Different Approaches to Conflict Prevention and Management: Korean Peninsula and the Taiwan Strait"*, Sweden, Uppsala University Stockholm, Central Asia-Caucasus Institute.

Archive of SID

Archive of SID